این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

شفاعت را باید با خودتان ببرید

صفحه اینستاگرام «شاخه طوبی» بخشی از بیانات علامه حسن‌زاده آملی را پیرامون مسئله شفاعت منتشر کرد

روزی که ز عصیان قد ما خم گردد
خوش باش که لطف حق مقدم گردد
دانی که چرا جزا به تأخیر افتاد
چون فاصله طی شود غضب کم گردد

«وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» (یوسف: ۸۷) از رحمت خدا ناامید نشوید. اما این امید به رحمت الهی نباید در شما تجرّی به گناه ایجاد کند که سرانجام به جایی برسید که مورد خطاب غضب الهی واقع شوید که: بد بدی کردی نکو پنداشتی/هیچ جای آشتی نگذاشتی. به تعبیر خوش یکی از اساتید ربانی که در درس می‌فرمود: خیال نکنید که شفاعت پارتی‌بازی است! بلکه شفاعت را باید با خود از این عالم ببرید. این ولایتی که دارید، این ارادتی که به پیغمبر و آلش دارید اینها شفیع شما می‌شود. تکامل برزخی از شفاعت روییده می‌شود. اینجا را دریابید. این فرمایش جناب خاتم انبیا را تابلوی دل و جانتان کنید و به پیشانی‌تان بزنید که هر وقت به آیینه نگاه می‌کنید آن را ببینید. که: «الدنیا مزرعه الاخره» بذر را باید در حیات دنیا بکارید. اینجا باید تلاش کنید تا آخرت سبز شود. با دست خالی و زمین خالی، بدون پاشیدن بذر خیرات و سعادت و بدون هیچ عملی بروی و بخواهی امید شفاعت داشته باشی! باید شفاعت را با عمل خود ببری.

■ **یکی از کاربران توییتر با انتشار تصویر فوق نوشت:**
«مجسمه مرد ماهیگیر است که متأسفانه بعد از دزدیده شدن چوب ماهیگیری‌اش به مرد کنگفوکار تبدیل شده و با همه دعوا دارد!»

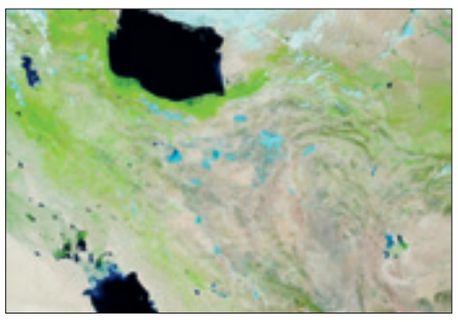

■ **دکتر غلامرضا خلیلی‌نیا با اشاره به تصویر فوق نوشت:**
«خبر خوب! این سرسبزترین و زیباترین بهاری است که در طول حداقل ۱۰ سال گذشته ایران ما تجربه کرده و به خود دیده است. تقریباً همه جای کشور سرسبز و بار دیگر دریاچه‌ها و تالاب‌ها در جای جای این خاک خودنمایی می‌کنند و چون نگینی فیروزه‌ای می‌درخشند. خدای بزرگ و مهربان رو شاکریم.»

■ **فروتن با انتشار تصویر بالا نوشت:**
«این حرکت رئیس بنیاد مستضعفان که رفته بهشت زهرا(س) و از کارکنان همه آرامستان‌های کشور تو این روزهای کرونایی تقدیر کرده واقعاً جای آفرین گفتن داره. واقعاً آفرین آقای مسئول! از کارکنان زحمتکش آرامستان‌ها هم کمال تشکر رو داریم. کار شما از فداکاری‌های بزرگ این دوره زمونه است.»

■ **کیان عبداللهی با اشاره به آمار منتشره در نیویورک تایمز نوشت:**
«۲/۵ میلیون امریکایی در ماه آوریل به خاطر کرونا شغلشان را از دست دادند! امریکا ۳۲۵ میلیون جمعیت دارد. ۱۴/۷ درصد بیکاری؛ بالاترین نرخ از زمان رکود بزرگ (۱۹۳۰). اگر چه بعید است کرونا تأثیر معرفتی و تمدنی بزرگی ایجاد کند، ولی در حوزه مدیریت اقتصاد و نظریات اقتصادی احتمالاً مثل ماجرای رکود بزرگ تشکیک‌ها و تردیدهای مهمی تولید خواهد کرد.»

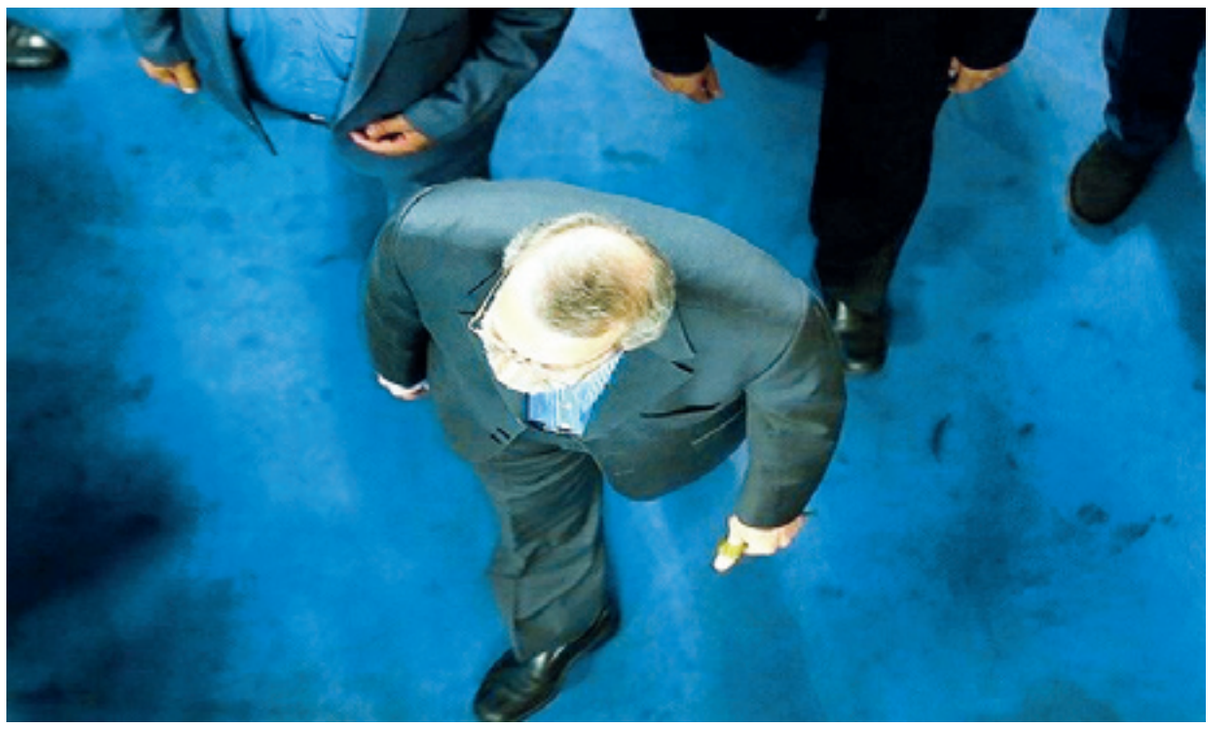

لایحه تشکیل #وزارت- بازرگانی در سایه فشار شبکه‌های اجتماعی برای پنجمین‌بار رد شد

سلطنت وارداتچیان رأی نیاورد!

مجلس دهم در هفته پایانی کار خود تصمیم داشت با پیشنهاد دولت تفکیک وزارت بازرگانی را از وزارت صمت بررسی کند. این پیشنهاد واکنش بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشت. کاربران معتقد بودند تصویب این طرح خیانت به جهش تولید است و موجب افزایش بی‌رویه واردات خواهد شد. نهایتاً این طرح با وجود بررسی در صحن علنی مجلس در سایه فشار شبکه‌های اجتماعی از نمایندگان مجلس دهم رأی منفی گرفت. در ادامه بخشی از واکنش کاربران را می‌خوانید:

■ **مالک شریعتی در کانال تلگرامی خود نوشت:**
«بررسی مجدد احیای وزارت بازرگانی در روزهای پایانی مجلس دهم آنچنان شتابزده در دستور کار قرار گرفته که کمیسیون تخصصی مربوطه بدون تشکیل جلسه رسمی (با حد نصاب اعضا) نظر رئیس خود را به صحن علنی فرستاده و متأسفانه در دستور کار قرار گرفته است.»

■ **امید پیرهادی توییت کرد:**
«با تشکیل وزارت بازرگانی به دوران سلطنت وارداتچیان و کاسبان وابستگی بازمی‌گردیم! کرونا ثابت کرد که رفتار کشورها در عرصه بین‌الملل در شرایط بحرانی به نحوی است که نمی‌شود نیازهای راهبردی از جمله غذا و دارو را بر مبنای واردات از خارج تأمین کرد و باید به سمت خودکفایی حرکت کنیم!»

■ **دکتر روح‌الله ایزدخواه در اینستاگرام خود با انتشار فیلمی توضیح داد:**
«مجلس دهم در روزهای پایانی خود پر کار شده است و می‌خواهد طرح تأسیس وزارت بازرگانی را تصویب کند. این در حالی است که در ۱۱۰ سال اخیر این وزارتخانه ۱۲بار ادغام و تفکیک شده است و جالب اینجاست هر بار که این وزارتخانه ادغام شده، ما شاهد رشد صنعتی و هر بار که تفکیک شده است، شاهد واردات بوده‌ایم. این مسئله اساساً در دنیا مرسوم نیست که وزارت بازرگانی مستقل از بخش تولید و اقتصاد باشد. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۰ قانونی در مجلس با عنوان «قانون تمرکز وظایف و اختیارات کشاورزی» تصویب شد و بخش بازرگانی کشاورزی بر عهده وزارت جهاد کشاورزی گذاشته شد که عملکرد خوبی داشت و شاهد رشد بخش کشاورزی با نرخ ۵درصد، ۵ میلیارد دلار بهبود تراز تجارت جهانی به نفع تولید داخل و در برخی اقلام رشد ۳۰۰درصدی صادرات بودیم. این برکات بدین دلیل بود که بخش کشاورزی، خود متولی بازرگانی شد، اما در همین مدت که این قانون در حال اجرا بود، دولت چهار بار از مجلس خواست که بخش بازرگانی کشاورزی را به وزارت صمت بازگرداند که هر بار این طرح رأی نیاورد، ولی در آخر از طریق شورای سران قوا این مصوبه را گرفتند و قانون مصوب مجلس را متوقف کردند. خب ایراد اصلی در این‌باره اولاً بحث امنیت غذاست؛ حتی لیبرال‌ترین کشورها با بخش غذا شوخی ندارند و کاملاً جدی هستند. بحث دیگر اشتغال است، ما محاسبه کرده‌ایم با همین میزان واردات، اگر بتوانیم واردات غذا را به نفع تولید داخل معکوس کنیم، می‌توان نزدیک به ۲میلیون نفر اشتغال ایجاد کرد. مسئله مهم‌تر بحث ساختار بخش کشاورزی است. ضربه‌ای که در اصلاحات ارضی به کشاورزی ما وارد شد تکه‌وپاره شدن نظام منسجم کشاورزی بود، با آن اصلاحات منابع طبیعی، مدیریت آب و نظام توزیع و بازرگانی تفکیک و کشاورزی تنها محدود به باغداری شد؛ به‌عبارت دیگر زنجیره بخش کشاورزی از هم پاشید و استقلال آن از بین رفت و کشوری که حتی در برخی موارد صادرکننده بذر بود، به واردکننده میوه‌جات و گوشت بدل شد. ما اکنون نباید بگذاریم این مسئله دوباره تکرار شود، لذا عرض من این است که وزارت بازرگانی نباید تأسیس شود و باید در وزارت صمت باقی بماند و به‌ویژه بخش بازرگانی کشاورزی نباید از وزارت کشاورزی جدا شود که قطعاً اثرات منفی خواهد داشت و در سال جهش تولید شاهد واردات بی‌رویه خواهیم بود. اگر مجلس دهم حتی این مصوبه را تصویب کند ما در مجلس یازدهم آن را متوقف خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت در سال جهش تولید آقایان با نگاه واردات‌محور به بخش کشاورزی لطمه بزنند.»

■ **وحید جلال‌زاده نوشت:**
«شنیده بودم آقای روحانی بلغ مابلغ به اعوان و انصار دولت خط و نشان کشیده بود که باید وزارت بازرگانی را در مجلس به تصویب برسانید، حتی روی این مسئله با وزیر صمت هم کارش به جاهای باریک کشیده بود؛ اما پیشمرگی هیئت رئیسه مجلس در این روزهای آخر را درک نمی‌کنم.»

■ **مراد توییت کرد:**
«تشکیل وزارت بازرگانی یعنی نابودی تولید؛ دولت که کلاً در جریان شعار سال تعطیل است و مجلس هم که دارد دقیقاً برعکس فرمایش رهبری عمل می‌کند. هرکس هر جایی دستش می‌رسد، کمک کند تا این وزارتخانه احیا نشود.»

■ **حجت‌الله عبدالملکی توییت کرد:**
«همین الان که بازرگانی و تولید (صنعت) در یک وزارتخانه جمع هستند، دولت نمی‌تواند واردات را به نفع تولید مدیریت کند! وای به روزی که وزارت بازرگانی (بخوانید وزارت واردات) مستقل باشد! قرار است روزهای آخر مجلس دهم به کابوسی برای ملت تبدیل می‌شود؟!»

■ **علیرضا پورمسعود نوشت:**
«تشکیل وزارت بازرگانی در سال جهش تولید یعنی بازگشت به دوران سلطنت برخی به اسم تنظیم بازار و حقوق مصرف‌کننده با واردات بی‌رویه محصولات مشابه داخلی تولیدکننده‌های داخلی را به خاک سیاه نشاندند نمایندگان دلسوز مجلس اجازه ندهند، برخی ردصلاحیت‌شدگان با آخر تشان بازی کنند!»

■ **ابراهیم علی‌پور در توییتر نوشت:**
«شنیده‌ها از تصمیم مشترک دولت و مجلس برای تشکیل وزارتخانه بازرگانی حکایت دارد. در سال جهش تولید، اصرار دولت بر تشکیل وزارت بازرگانی (بخوانید وزارت واردات) و دستپاچگی علی لاریجانی برای تصویب دقیقه نودی آن چه توجیهی دارد؟»

■ **سعید حسین‌خانی در رشته توییتی توضیح داد:**
«اگر فکر می‌کنید با تشکیل وزارت بازرگانی واقعاً بازار کنترل می‌شود، سخت در اشتباهید. دولت و وزرای خسته، وزارت بازرگانی را ایجاد می‌کنند تا بعد از وقوع بحران با یک دستور آزادسازی واردات، به‌زعم خودشان بازار را کنترل کنند. گرانی‌های مقطعی محصولاتی مثل گوجه، پیاز، سیب‌زمینی و افت شدید قیمت بعد از رسیدن محصولات داخلی همه نمونه‌ای از همین فرآیند معیوب هستند. فاصله گوجه ۱۰هزار تومانی و هزار تومانی کمتر از یک ماه بود. مردم سختی دوران گرانی‌اش را می‌کشند و کشاورز سختی دوران ارزانی‌اش را. وزارتخانه‌ای که نداند چه محصولی، چقدر و در کجای کشور در حال تولید است، برای تنظیم بازار فقط واردات را می‌شناسد. اینطور می‌شود که جهش تولید به ذبح تولید و جهش واردات تبدیل می‌شود.»

نقد و نظر

مجری ثریا: نفوذ واقعی در صدا و سیما تغییر دستگاه فکری مدیران سازمان است

محسن مقصودی
کارشناس رسانه

مجری برنامه ثریا، در صفحه اینستاگرام خود در باب «ضرورت نقد رسانه ملی» نوشت:

۱- حدود هشت ماه پیش و پس از پخش سریال سیاه «بوی باران» (عروس تاریکی) وحید جلیلی یادداشت‌های تند و تیزی نوشت و انتقادهایی از نگاه انقلابی و بر مبنای مطالبات مردم و رهبر انقلاب از صداوسیما مطرح کرد، حقیر البته برخی از کلمات و واژه‌های به‌کار رفته در آن متن را نمی‌پسندیدم، اما منهای برخی جملات و قضاوت‌ها که می‌توانست لحن بهتری داشته باشد، کلیت انتقاد او را از آنجا که دلسوزانه و با رویکردی انقلابی از ظرفیت‌های مغفول رسانه ملی سخن گفته بود، درست و بحق می‌دانستم و این روزها البته شاید بیشتر از هشت ماه قبل به یادداشت دلسوزانه وحید جلیلی فکر می‌کنم. ای کاش او آن یادداشت را با لحنی آرام‌تر نوشته بود تا بهتر خوانده می‌شد!

۲- پس از آن یادداشت و واکنش‌های جنجالی مخالفان و موافقان به آن، حقیر هم در اواخر شهریورماه سال گذشته در یادداشتی با عنوان «رسانه ملی و چالش نقد»، به ضرورت نقد رسانه ملی پرداختم و گفتم که رسانه ملی باید از نقدها استقبال کند و خودش باید پیشتاز تولید برنامه‌هایی صریح، دوطرفه و غیرتشریفاتی برای نقد سریال‌ها، برنامه‌ها و حتی مدیریت شبکه‌ها و رویکردهای کلان رسانه ملی باشد. نمونه‌هایی را مثال زدم و عرض کردم چندین‌بار هم به مدیران پیشنهاد داده‌ام، ثریا آماده است اولین برنامه‌ای باشد که به صورت صریح و دوطرفه و شفاف در برنامه‌ای زنده به نقد کشیده شود و پاسخ بگوید و از نقدها استفاده کند.

۳- دو هفته بعد در ۶ مهرماه ۹۸؛ روابط عمومی صداوسیما خبر از تولید و پخش برنامه‌ای به نام «ساختمان شیشه‌ای» با موضوع نقد برنامه‌های صداوسیما داد که قرار است از روز جمعه همان هفته (۱۲ مهرماه)، هر هفته جمعه ساعت ۱۹:۳۰ از شبکه یک سیما پخش شود. خوشحال شدیم و راضی که اگر نتیجه همه این انتقادها همین یک برنامه هم باشد، خیر است! و چقدر ساده بودیم ما و خوش‌باور! هنوز و پس از گذشت هشت ماه هنوز آن جمعه نرسیده است! هنوز باید سر این بدیهیات صحبت کنیم که «نقد» مهم‌ترین کمک برای ارتقا و اصلاح یک سازمان رسانه‌ای است.

۴- پس از انتقادها به پایتخت ۶ برنامه‌ای برای نقد و بررسی آن از شبکه یک پخش شد که به جای نقد، بیشتر به عذرخواهی و دلجویی از عوامل پایتخت اختصاص داشت، اما نقد صریح‌تر و مبنایی‌تر می‌توانست کمک بیشتری حتی به پایتختی‌ها بکند که باز هم فرصت از دست رفت.

۵- اخیراً دوباره انتقادها در ماجرای دستمزد برخی مجری‌ها و سلبریتی‌ها و ضرورت شفافیت مالی در صداوسیما بالا گرفته است و جالب‌تر آنکه دیدم برخی مدیران رسانه ملی هم در میزگردی انتقادی در یکی از خبرگزاری‌ها شرکت کرده‌اند و پاسخ‌هایی داده‌اند. آقای پورمحمدی، معاون سابق سیما که هنوز هم از مدیران ارشد رسانه ملی هستند، در میزگرد تسنیم گفته‌اند «نظام سرمایه‌داری بر برنامه‌های صداوسیما اسیر حاکم شده است» و سپس به رقابت‌های منفی درون‌سازمانی میان شبکه‌های سیما اشاره کرده‌اند که عامل افزایش بی‌قاعده دستمزدهای سلبریتی‌ها بوده است. اینکه بالاخره برخی مدیران تلویزیون حاضر شده‌اند (و یا مجبور شده‌اند) در گفت‌وگوی انتقادی پاسخگوی مطالبات مردم و منتقدان باشند را باید به فال نیک گرفت؛ این یعنی انتقاد و مطالبه برای اصلاح جواب می‌دهد، اما این همه ماجرا نیست.

۶- آقای پورمحمدی ماجرا را به رقابت بین مدیران شبکه‌ها تقلیل داده‌اند. سوال اصلی این است که چه جریان و ساختاری در تلویزیون باعث شده است، چنین رقابتی پیش بیاید؟ آیا این رقابت، تنها رقابت کاری چند مدیر است یا ریشه‌های ایدئولوژیک هم دارد؟ اساساً چرا اخیراً هر دو هفته و یا هر یک ماه یک‌بار درصدهای نظرسنجی مخاطبان با آب و تاب فراوان برای رسانه‌ها اعلام می‌شود؟ چه جریانی سعی دارد تنها معیار موفقیت شبکه‌ها را در تعداد مخاطب خلاصه کند؟ آیا با این روش تولید برنامه‌های سطحی و عمدتاً سرگرمی با حضور سلبریتی‌ها - که بعضاً مخاطب بالایی دارند- تنها هدف مدیران شبکه‌ها نمی‌شود؟ آیا تا به حال در نظرسنجی از متخصصان و مردم، محتوا و اثرگذاری مثبت و منفی سریال‌ها و برنامه‌ها و جریان‌سازی آنها در حل مسائل کشور پرسش شده است؟ آیا در خصوص برنامه‌های «ساخته نشده» و موضوعات بر زمین مانده در سریال‌ها و برنامه‌های شبکه‌ها نظرسنجی شده است؟ آیا امروز کارگران و کشاورزان مظلوم همان سهمی را در سریال‌ها و برنامه‌های رسانه ملی دارند که سلبریتی‌ها، سرمایه‌دارها، بانک‌دارها، مؤسسات کنکوری و...؟ آیا تلویزیون باید کارخانه سرگرمی‌سازی (به هر قیمتی) باشد یا دانشگاه عمومی و کارخانه آدم‌سازی؟!

۷- از حق نگذریم در سال‌های اخیر رویشی از حضور مدیران جوان و انقلابی را در برخی از بخش‌های مهم سازمان و بعضی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌بینیم که تنها دلخوشی‌مان برای تحول در آینده سازمان هستند؛ هر چند جریانی در سازمان وجود دارد که مانع از بروز و ظهور بهتر و موثرتر جریان انقلابی در صداوسیما می‌شود و بی‌مهری‌ها و بداخلاقی‌هایی که در ماجرای ثریا و جهان‌آرا شد، نمونه‌ای از آن است که ان‌شاءالله بعداً درباره آن حقایق بیشتری خواهید شنید که واقعاً تأسف‌انگیز است، اما باید توجه داشت، همین جوان‌ها و انقلابی‌ها هم اگر در این ساختار رقابتی غیرآرمانی رها شوند و بخواهند با همان روش لیبرال‌ها به نبرد رسانه‌ای بپردازند، مانند گذشتگان اسیر سلبریتی‌های نجومی‌بگیر خواهند شد. امیدوارم برخی مدیران دلسوز رسانه ملی تا دیر نشده ساختارها و شاخص‌ها را در تلویزیون اصلاح و متحول کنند. به شما قول می‌دهم اگر در سریال‌ها و برنامه‌سازی‌ها به مسائل اصلی مردم نظیر مبارزه با فساد و نقد اشرافیت و تبعیض و رانت‌خواری، نقد خصوصی‌سازی‌های لجام‌گسیخته (اختصاصی‌سازی‌ها) و پدیده نفوذ و... بپردازید و دستاوردهای علمی و فناوری مظلوم همین ملت را در دوران تحریم دستمایه برنامه‌سازی‌ها و فیلمنامه‌ها کنید، صدها سوژه جذاب، چالشی، دراماتیک و امیدبخش نظیر سریال گاندو، شوق پرواز و... پیدا می‌کنید که شما را از وابستگی و بعضاً منت‌کشی سلبریتی‌های نجومی‌بگیر نجات می‌دهد. مردم تشنه عدالت و مبارزه با فساد و تبعیض هستند، عاشق حاج‌قاسم‌ها و حججی‌ها و شهریاری‌ها و احمدی روشن‌ها؛ نگذارید عده‌ای «نفوذی» با ایده انحصاری «سرگرم‌سازی مردم با سلبریتی‌های نجومی‌بگیر» شما را فریب دهند و برای مردم ذائقه‌سازی کاذب کنند!

۸- مدیر محترم سازمان هم که اخیراً در نامه‌ای به مسئله نفوذ در سازمان اشاره کرده‌اند، خوب است توجه کنند برای کشف نفوذ نباید صرفاً دنبال یک شخص و یا چند نفر بود. نفوذ اصلی، تغییر دستگاه فکری و تصمیم‌سازی در بخش مهمی از مدیران سازمان است. برای کشف نفوذ به جای اشخاص، دنبال یک خط فکری باشید که همه شبکه‌ها را برای جذب درصدهای بیشتر مخاطب به یک رقابت منفی برای جذب سلبریتی‌ها و سطحی شدن برنامه‌ها سوق داده است. دنبال آن خط فکری باشید که برای مدیران شما جا انداخته، تنها راه جذب مخاطب از مسیر سرگرمی‌سازی می‌گذرد و تنها روش ایجاد سرگرمی برنامه‌های زرد سلبریتی‌محور است. دنبال همان خطی باشید که ترویج می‌کند، اگر محتوای سریال‌ها به مسائل اصلی مردم و انقلاب مرتبط شد جذابیت و مخاطبش کم می‌شود! دنبال همان خطی که فکر می‌کند تنها راه جذابیت فیلمنامه‌ها، ایجاد عشق‌های مثلثی و مربعی است. جریان نفوذ دستگاه تصمیم‌سازی مدیران را نشانه رفته و متأسفانه در موارد مهمی موفق شده است. عزیزان مسئول تا دیر نشده کاری بکنید....

گزارش

عطر کمک مؤمنانه در شبکه‌های اجتماعی

#کنار تم_هموطن

پس از فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر راه‌اندازی پویش مؤمنانه برای کمک به آسیب‌دیدگان ایام بحران کرونا سیل عظیمی از کمک‌های خداجویانه جاری شد. عطر کمک‌های مؤمنانه در شبکه‌های اجتماعی نیز پیچیده و بسیاری از کاربران این شبکه‌ها با انتشار تصاویری از مساجد، خیریه‌ها و پایگاه‌های بسیج بر یکدیگر در امر خیر پیشی می‌گیرند. البته کمک‌ها تنها به پرداخت‌های نقدی یا اقلام غذایی محدود نمی‌شود و برخی نیز آنطور که نوشته‌اند با تدریس در مناطق محروم یا تولید و توزیع اقلام بهداشتی در این کار جمعی سهیم هستند. با هم مروری داریم بر بخشی از هزاران مطالبی که با هشتگ #کمک_مومنانه منتشر شده است.

■ **«میثم» نوشت:**
«درست است مثل خیلی‌ها جیبمان خالی است؛ درست است که مثل خیلی‌ها قسط و قرض عقب افتاده داریم؛ درست است که خرج و دخل زندگی‌مان سخت به هم می‌رسد، اما می‌دانیم که خیر و برکت و مدد الهی در کمک به هم‌نوع و هموطن‌مان است؛ فارغ از دین و مسلک و تفکرش. این خاصیت بسیجی است پس با کمک مؤمنانه به تقلید از علی(ع) کنار تم هموطن»

■ **«حسین نعیمی» نوشت:**
«یک رفیق معلم دارم. در این اوضاع و شرایط آموزشی که به دلیل کرونا بر کشور حاکم است. می‌رود به بچه‌های منطقه سیستان درس می‌دهد تا از درسشان عقب نیفتند! جایی که نه آنتن‌دهی هست و نه گوشی برای استفاده برنامه شاد!»

■ **حمید توییت کرد:**
«چه زیبا و قابل‌تحسین است تغییر شکل و مکان اهدای کمک‌های مؤمنانه مردم به نیازمندان، در این روزهای پر برکت ماه رمضان، از شکل افطاری به بسته‌های معیشتی و از مساجد به در منازل نیازمندان»

■ **کاربری با نام «مجنون» توییت کرد:**
«هنوز هم جوانان عاشورایی هستند که صبح تا شب به عشق مردم و سرزمین‌شان با جان و دل کار کنند. وقتی که بهشون می‌پیوندید احساس می‌کنید چقدر دیر آمدید و پیوستید آن لحظه است که با خود می‌گویی بزرگ‌شدگان مکتب سلیمانی پشت میز و ریاست نیستند، بلکه پشت دین و ولایت هستند.»

■ **«لتین نوروزی» نوشت:**
«ارزش آدم‌ها به میزان پولشان نیست، بلکه به میزان انسانیت، دلسوزی‌شان نسبت به دیگران و خداشناسی آنهاست.»

■ **«نرگس» توییت زد:**
«کرونا هم نمی‌تواند همدلی را از مردم ایران بگیرد و این ویروس منحوس باعث اتحاد و همدلی بیشتری در بین مردم ایران شد که نمونه کوچکی از آن را در رزمایش کمک مؤمنانه شاهد هستیم.»

■ **«یسنا» نوشت:**
«گفت: در این دوره و زمانه مردم خودشان نیازمندند، دیگر کسی به نیازمندها کمک نمی‌کند! گفتم: این مردم دانش‌آموخته مکتب مولایشان علی(ع) هستند؛ همانی که چاه حفر می‌کرد، آخرش هم وقف نیازمندها می‌کرد. پس کمک مؤمنانه را از مولایشان یاد گرفته‌اند.»

■ **«مهاجر» نوشت:**
«چند روز پیش تولدم بود با همسرم قرار گذاشته بودیم، امسال هزینه کیک و کادویی که قرار بود، برایم بخرد، بدهیم به کسانی که در این روزهای کرونایی نیاز دارند؛ اینجوری چند سال جوان‌تر شدم.»

■ **مصطفی ساجدی با اشاره به گلایه‌های استاد علیرضا افتخاری نوشت:**
«لبخند می‌زنند، از هنر می‌گویند، برای پلورالیسم غش و ضعف می‌کنند، در فستیوال‌های خارجی، خارجی صحبت می‌کنند، معتقدند باید با آدم‌ها بدون نگاه به عقایدشان مواجه شد، لیبرالیسم قبله آمال و آرزویشان است و آزادی عقیده را عزیز می‌دارند، اما کافی است که یک نفر، کاری برخلاف علاقه‌شان انجام دهد! فرقی نمی‌کند؛ علیرام نورایی تازه به سینما وارد شده باشد یا علیرضا افتخاری پیشکسوت؛ تفاوتی ندارد، مهدی ترابی فوتبالیست باشد یا ابراهیم حاتمی کیای کارگردان! روزگارش را سیاه می‌کنند؛ به جرم مخالف آنها بودن! برای شناخت فاشیست‌های روشنفکر بد نیست گریه‌های استاد علیرضا افتخاری را ببینید! ۳۰ سال کار کرد و امروز خانه‌نشین شده است.»